

خنک هوشیاران فرخنده بخت^۱

معاد مرحوم مجلسی که سه جلد است، کافی است برای این که انسان آن چه را که در آینده نزدیک برایش اتفاق می افتد، سیر کند.

آقا حضرت مجتبی علیه السلام فرمودند: "يَا بْنَ آدَمَ! لَمْ تَزَلْ فِي هَدَمِ عُمْرِكَ مُنْذُ سَقَطْتَ مِنْ بَطْنِ أُمِّكَ، فَخُذْ مِمَّا فِي يَدَيْكَ لِمَا بَيْنَ يَدَيْكَ، فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ يَتَزَوَّدُ وَ الْكَافِرُ يَتَمَتَّعُ."^۲

فرمود: ای فرزند آدم از موقعی که به دنیا آمده ای، در حال گذراندن عمرت هستی، پس از آنچه داری برای آینده ات (قبر و قیامت) ذخیره نما، همانا که مؤمن در حال تهییجی زاد و توشه می باشد ولیکن کافر در فکر لذت و آسایش است.

این نظیر همان فرمایش است که فرمودند راحتی در این دنیا آفریده نشده است. این فکر که مهلت دارد از دست می رود خودش بالاترین غم و اندوه است. همین که انسان بداند هرچه می گذرد، او را به آن مرحله ی خطرناک نزدیکتر می کنند، نمی تواند از هیچ لذتی بهره ببرد.

بحث معاد چون بحثی است تذکری، لذا از اساسی ترین مباحثی است که مؤمن باید دائم آن را دنبال کند. آقا امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: "وَمِنْ كَلَامٍ لَهُ ... يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ وَ مَا جَرَّأَكَ عَلَى ذَنْبِكَ وَ مَا آتَاكَ بِهَلَكَةِ نَفْسِكَ" ای انسان چه چیز تو را به هلاکت و ضایع کردن نفست مأنوس کرده است؟ "أَمْ مَا مِنْ دَائِكَ بُلُولٌ" آیا برای این مریضی شفا و درمانی نیست؟

چون این مرضی است که انسان بالاترین سرمایه ها را از دست می دهد!

^۱ - خنک هوشیاران فرخنده بخت که پیش از دهل زن، بسازند رخت

کنون باید ای خفته بیدار بود چو مرگ اندر آرد ز خوابت، چه سود؟

^۲ - نزهة الناظر و تنبيه الخاطر: ص ۷۹، س ۱۳، بحار الأنوار: ج ۷۵، ص ۱۱۱، ح ۶.

"أَمْ لَيْسَ مِنْ نَوْمَتِكَ يَفْظَةً" آیا این خواب را بیداری نیست ؟

"أَمْ تَرْحَمُ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَرْحَمُ مِنْ غَيْرِهَا فَلَرَبَّمَا تَرَى الضَّاحِيَ لِحَرِّ الشَّمْسِ فُتْظِلُّهُ" آیا به نفس خودت رحم نمی کنی آنچه را به دیگران رحم می کنی؟ چه بسا می بینی کسی از حر و تابش آفتاب عرق کرده و خوابش برده، تا او را می بینی برایش سایبان فراهم می کنی!

"أَوْ تَرَى الْمُبْتَلَى بِاللِّمِّ يُمِضُ جَسَدَهُ فَتَبْكِي رَحْمَةً لَهُ" یا کسی را می بینی که از درد شدید به خود می پیچد، و جسدش اذیت می شود، و از روی رحمت و محبت به او گریان می شوی!

"فَمَا صَبْرَكَ عَلَى دَائِكَ وَ جَلْدَكَ عَلَى مَصَائِبِكَ وَ عَزَاكَ مِنَ الْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِكَ" پس از چه روست صبرت بر مریضی خودت، و چطور به آتشی که در پیش است نگران نیستی؟

"وَ هِيَ أَعَزُّ الْأَنْفُسِ عَلَيْكَ" در حالی که نفس تو عزیزترین نفس هاست!

کسی به ابوذر گفت من را نصیحت کن. ابوذر به او گفت: عزیزترین کسی را که نزد توست اذیتش نکن.

امام رضا علیه السلام فرمودند: ۳ روز از حساس ترین روزهاست، "إِنَّ أَوْحَشَ مَا يَكُونُ هَذَا الْخَلْقُ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ يَوْمَ يَلِدُ وَ يَخْرُجُ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ فَيَرَى الدُّنْيَا" روزی که فرد متولد می شود و از شکم مادر بیرون می آید و دنیا را می بیند "وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يُعَايِنُ الْآخِرَةَ وَ أَهْلَهَا" روزی که می میرد و آخرت را مشاهده می کند که بسیار روز وحشتناکی است "وَ يَوْمَ يُبْعَثُ فَيَرَى أَحْكَامًا لَمْ يَرَهَا فِي دَارِ الدُّنْيَا"^۴ روزی که بناست از قبر بیرون کشیده و زنده شود. در آن روز قواعدی می بیند که در دار دنیا ندیده است.

از اموری که در قیامت هست، این است که در و دیوار قیامت حیات دارد. وقتی مؤمن می خواهد از جهنم عبور کند، آتش جهنم به او می گوید: "جُزْ" یعنی زود رد شو! چون نور تو مرا نابود می کند. معلوم می شود که در طول عمر، فرد باید نوری برای خودش تهیه کند، که آن نور او را از صراط عبور دهد. هر حرکتی در

^۳ - منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة (خوئی) / ج ۱۴ / ۲۷۶ / المعنی ص : ۲۷۳

^۴ - یون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۵۷.

تشکیل و تقویت آن نور اثر دارد. این است که واقعاً عمر ما در این دنیا حیرت آور است. مقدمه ای کوتاه است برای بی نهایت. در این مقدمه ی کوتاه چگونه نوری باید تهیه کند که ابدیتش ساخته شود. این است که لحظه به لحظه ی این دنیا حساب دارد.

نمونه هایی از ترسیم هایی که قرآن کرده است به این شرح است:

"وَيَوْمَ يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ" روزی که ظالم دو تا دستش را تا آرنج می گزد، "يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً" ای کاش من یک راهی با پیغمبر داشتم.

آنگاه گروهی را می بیند که "لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ" ذره ای غرّش جهنم را نمی شنوند و الی الابد در لذّت و کیف هستند که ما نمی توانیم آن لذائد را درک کنیم.

در تعبیری دیگر آمده است که "وَفِيهَا مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَ لَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَ لَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ" آن چنان لذائذی که نه چشمی شبیه آن را دیده، و نه گوشی توصیفش را شنیده است و نه به قلبی خطور کرده است. آنگاه چه حالی خواهد داشت کسی که ببیند اینها را مفت به امور جزئی، به امور هوسی از دست داده است؟! **این است که دائماً تذکر و توجه لازم است.**

گروهی وارد بهشت می شوند. ملائکه می گویند "فَيَقُولُونَ أَوْ قَبْلَ الْحِسَابِ؟" قبل از محاسبه آمدید؟ آنها می گویند ما اصلاً صراط و محاسبه ای نفهمیدیم. ملائکه می گویند: شما از چه گروهی بودید که بی محاسبه آمدید؟ آنها می گویند: ما دو خصلت داشتیم. "رَضِينَا بِالْيَسِيرِ وَ إِذَا خَلَوْنَا لَدَسْتَحْيٍ عَنِ اللَّهِ" به رزق قلیل رضایت داشتیم، به کم دنیا اکتفا می کردیم و راضی بودیم و در خلوت از خدا خجالت می کشیدیم.

از یکی از معصومین علیهم السلام وارد شده که فرمودند "يَرَى أَحْوَالاً لَمْ يَرَهَا قَطُّ" روزی که سر از قبر بر می آورد، چیزهایی می بیند که به عمرش ندیده است، و در این حال عده ای هیچ اضطراری ندارند "أَوَلَيْكَ لَهُمُ الْأَمْنُ" چقدر حسرت آور است!

قرآن در این باب غوغا کرده است! "يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَ مَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ" روزی که هرکسی هرچه خیر و بدی انجام داده است، می یابد، در ادامه می فرماید "تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَ بَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَ يُحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ" کسی که این نامه ی عمل را بگیرد، آرزو می کند که نامه فرسخ ها پرتاب شود آن طرف تر. ای کاش این نامه را من نمی دیدم و خدا شما را از مخالفت خودش می ترساند" در عین حال فرموده است "و الله رثوفٌ بالعباد" در این حال اگر کسی اهل عقل باشد، به راحتی می تواند جبران کند و راحت می تواند به در خانه ی او بیاید.

امروزه بحث معاد تقریباً در جامعه منسوخ شده است، و اگر این توجه به شکل جدی وجود داشته باشد زندگی های ما تغییر می کند!

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند "يَا ابْنَ مَسْعُودٍ أَكْثَرُ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَ الْبِرِّ" تا می توانی خودت را به اعمال خیر موفق کن. "فَإِنَّ الْمُحْسِنَ وَ الْمُسِيءَ يَنْدَمَانِ" (در قیامت) هم نیکوکاران و هم خطاکاران هر دو پشیمان اند. یوم الحسره است!! نفرموده اند که فقط برای گناهکاران یوم الحسره است. همه ی خوبان هم حسرت می خورند. چون دیگر موقعیت عمل گذشت. "يَقُولُ الْمُحْسِنُ يَا لَيْتَنِي أَزِدْتُ مِنَ الْحَسَنَاتِ" ای کاش بیشتر توشه بر می داشتم. مهلت ها را بیشتر استفاده می کردم! شخصی مثل مرحوم حاج شیخ عباس قمی در شبانه روز ۱۸ ساعت کار مفید انجام می داده است. در سنین بالا ۶ ساعت وقت خواب و استراحتش بوده است. واقعاً برکت عمر چیزی است که خدا عطا می کند.

گناهکار هم می گوید "و يَقُولُ الْمُسِيءُ قَصْرْتُ"^۵ بر فرض که ح سنه انجام ندادم، ای کاش کمتر غیبت می کردم. کاش کمتر گناه می کردم!

قرآن وقتی توضیح درجات بهشت را می دهد، می فرماید "فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ" باید افرادی که اهل دقت هستند، مسابقه بدهند! تنافس از نفس زدن است. آدم در وقت مسابقه باید نفس نفس بزند تا جلو بیفتد. تنافس را مسابقه می گویند، چون کوشش می خواهد. امان از شیطان که چطور سر ما را گرم کرده است.

گویا اکثر افراد در فکر راحتی و آسایش و تن پروری هستند که این چهار صباح به لذت بیشتر بگذرد و فکر نمی‌کنیم که هرچه زحمت بکشیم اجر دارد. کسانی که درجه پیدا می‌کنند زحمت‌های زیادی کشیدند! ^۶

^۶ - اکنون که این متن را تنظیم می‌کنم به یاد خاطره‌ای افتادم از پدرم، مرحوم آقای حاج سید مجتبی خردمند.

روزی با گله‌ای از نامردمی‌ها و ظلم‌های کسانی به دیدار ایشان رفتم. ظاهرم پیدا بود که ناراحتی ولی کلماتی هم بر آن ظاهر ناراحت افزودم. کمی نگاهم کردند و فرمودند: زیارت عاشورای امروزت را خوانده‌ای؟ گفتم: نه!

گفتند: پسر جان! برو فکر آخرت باش! ول کن این حرف‌ها را...! برو زیارت عاشورایت را بخوان!